

«گزارش رصد اندیشکده های معتبر بین المللی در ارتباط با صنعت نفت و گاز»

تیر ماه ۱۴۰۴

شباهنک مهاجرانی

موسسه مطالعات بین المللی انرژی، به صورت ماهیانه به رصد گزارش های انتشار یافته از سوی اندیشکده های برتر حوزه انرژی و گزارش سازمان هایی نظیر آژانس بین المللی انرژی، اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده و ... می پردازد که هدف از آن، اطلاع از جدیدترین یافته ها و پژوهش ها در ارتباط با صنعت نفت و گاز و بهره مندی از محتوای این مطالعات است. در این راستا، این نوشتار به ارائه خلاصه ای از مهم ترین گزارش های منتشر شده در تیر ماه ۱۴۰۴ می پردازد:

الف) بخش نفت:

«افزایش فشار یا تسلیم خاموش؟»

LINK: www.brookings.edu/articles/increase-pressure-or-silently-acquiesce/

SOURCE: www.brookings.edu

DATE: June ۵, ۲۰۲۵

در گزارش تحلیلی منتشر شده توسط اندیشکده بروکینگز در ژوئن ۲۰۲۵ با عنوان «افزایش فشار یا تسلیم خاموش؟»، نویسندگان به بررسی چالش پیش روی اروپا در مواجهه با صادرات نفت روسیه می پردازند. با وجود گذشت بیش از سه سال از آغاز جنگ اوکراین، نفت همچنان ستون فقرات اقتصاد روسیه باقی مانده است و سهم قابل توجهی -حدود ۳۰ درصد- از درآمدهای دولتی این کشور از محل صادرات

نفت و گاز تأمین می‌شود. در نتیجه، اعمال فشار بر این بخش از اقتصاد روسیه، همچنان یکی از محدود اهرم‌های مؤثر برای محدود کردن توان مالی کرملین در تداوم جنگ محسوب می‌شود.

با این حال، مسکو توانسته است با بهره‌گیری از راهکارهایی چون تشکیل ناوگان موسوم به ناوگان سایه متشکل از نفتکش‌های قدیمی، فاقد بیمه و با مالکیت غیرشفاف، بخش زیادی از تحریم‌ها را دور بزند. این اقدام نه تنها اثرگذاری تحریم‌های غرب را کاهش داده بلکه خطرات زیست‌محیطی و اقتصادی جدیدی، به‌ویژه در مسیرهای پر تردد آبی مانند تنگه هرمز و کانال سوئز، به همراه داشته است.

نویسندگان گزارش استدلال می‌کنند که اروپا اکنون در برابر یک دو راهی قرار دارد: یا باید فشارها بر صادرات نفت روسیه را افزایش دهد یا عملاً به‌صورت خاموش به ادامه روند فعلی تن دهد. گزینه نخست مستلزم اتخاذ تدابیری از جمله کاهش بیشتر سقف قیمت نفت روسیه، محدودیت در بیمه کشتی‌ها و اعمال کنترل بر بازار نفتکش‌های فرسوده‌ای است که روسیه برای دور زدن تحریم‌ها به کار می‌گیرد. این اقدامات، اگر به‌صورت هماهنگ و هدفمند اعمال شوند، می‌توانند کانال‌های درآمدی اصلی روسیه را مسدود کرده و اثرگذاری اقتصادی واقعی به‌جای نمایش سیاسی داشته باشند.

در نهایت، این گزارش تأکید می‌کند که موفقیت یا شکست غرب در کنترل منابع مالی روسیه، نه در شعارهای سیاسی، بلکه در جزئیات فنی و اجرایی تحریم‌های انرژی نهفته است. به‌کارگیری ابزارهای دقیق و سخت‌گیرانه در حوزه بیمه، کشتیرانی و مالی می‌تواند صادرات نفت روسیه را به یک نقطه ضعف واقعی تبدیل کند؛ مشروط بر آن‌که اراده سیاسی برای مقابله با تساهل ساختاری موجود فراهم شود.

« تولید نفت آمریکا در آستانه‌ی اوج گیری نهایی »

LINK: <https://www.gisreportsonline.com/r/u-s-oil-production/>

SOURCE: www.gisreportsonline.com

DATE: June ۴, ۲۰۲۵

در گزارش اخیر GIS Reports تحت عنوان «U.S. oil production: A peak in sight»، پیش‌بینی شده است که تولید نفت ایالات متحده در سال جاری به رکورد ۱۳.۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و در سال آینده از ۱۳.۷ میلیون بشکه فراتر خواهد رفت. این افزایش تولید، که عمدتاً به دلیل انقلاب شیل از سال ۲۰۰۸ است، موجب شده تا ایالات متحده از یک واردکننده بزرگ نفت به بزرگ‌ترین تولیدکننده جهانی تبدیل شود.

با این حال، پیش‌بینی می‌شود که رشد تولید نفت ایالات متحده تا سال ۲۰۲۷ به اوج خود برسد و سپس کاهش یابد. این تغییر روند می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر بازارهای جهانی نفت داشته باشد، به ویژه در شرایطی که تقاضا در حال افزایش است. در حال حاضر، ایالات متحده بیش از دو سوم تولید نفت خود را از منابع شیل تأمین می‌کند و در سال‌های اخیر، این کشور به همراه کشورهای نروژ، برزیل، کانادا و گویان، تقریباً ۴۰ درصد از رشد عرضه جهانی نفت خارج از گروه اوپک+ را به خود اختصاص داده است.

تولید نفت شیل، گرچه به سرعت رشد کرده، اما دارای محدودیت‌هایی نیز هست؛ از جمله هزینه‌های بالای استخراج، نرخ سریع کاهش تولید در میادین شیل و نیاز به سرمایه‌گذاری مستمر برای حفظ سطح تولید. این عوامل باعث می‌شوند که رشد بی‌وقفه تولید نفت آمریکا پایدار نباشد و بازار جهانی در سال‌های آینده با تغییراتی روبرو شود.

از سوی دیگر، با توجه به نقش برجسته آمریکا در تامین نفت جهان، هر گونه کاهش در تولید این کشور می تواند به افزایش قیمت نفت منجر شود و جایگاه اوپک و متحدانش را در بازار جهانی تقویت کند. همچنین، سیاست های داخلی آمریکا در زمینه انرژی، تغییرات اقلیمی و حمایت از انرژی های تجدیدپذیر، می توانند بر روند تولید نفت این کشور تاثیرگذار باشند و به تغییرات بازار انرژی جهانی شتاب دهند.

در نهایت، پیش بینی دقیق آینده تولید نفت ایالات متحده با توجه به عواملی مانند سیاست های دولتی، قیمت های جهانی نفت و تقاضای جهانی، چالش برانگیز است. اما آنچه مسلم است این است که ایالات متحده همچنان نقشی کلیدی در بازار جهانی انرژی ایفا خواهد کرد و تغییرات در تولید نفت این کشور به شدت بر ثبات و قیمت های انرژی جهانی تاثیرگذار خواهد بود.

« آیا درگیری ایران و رژیم صهیونیستی، وضعیت بازارهای انرژی را مختل خواهد کرد؟ »

LINK: <https://agsi.org/analysis/will-israel-iran-conflict-disrupt-energy-markets/>

SOURCE: www.agsi.org

DATE: Jun ۱۸, ۲۰۲۵

تحلیل مرکز مطالعات کشورهای عرب خلیج فارس (AGSI) به بررسی تأثیرات بالقوه درگیری ایران و رژیم صهیونیستی بر بازارهای انرژی می پردازد و به ویژه تهدیدات ایران برای ایجاد اختلال در تنگه هرمز را محور توجه خود قرار می دهد. تنگه هرمز، به عنوان یکی از حیاتی ترین مسیرهای انتقال نفت در جهان، حدود ۲۰ درصد از عرضه جهانی نفت را عبور می دهد و نقش کلیدی در تأمین انرژی بازارهای جهانی، به ویژه کشورهای آسیایی مانند چین و هند دارد. در واکنش به حملات اسرائیل به تأسیسات هسته ای ایران در ژوئن ۲۰۲۵، ایران تهدید کرد که ممکن است این تنگه را مسدود کند؛

اقدامی که در صورت وقوع می تواند قیمت نفت را به شکل قابل توجهی افزایش داده و باعث بی ثباتی اقتصادی جهانی شود.

این تهدید بلافاصله واکنش بازار نفت را به دنبال داشت؛ قیمت نفت برنت در یک روز به بیش از ۷۷ دلار در هر بشکه افزایش یافت که بزرگ ترین جهش قیمت از زمان آغاز جنگ روسیه و اوکراین بود. نگرانی ها درباره اختلال در جریان نفت از تنگه هرمز باعث شد تا بازارها نوسانات شدیدی را تجربه کنند. با این حال، تحلیلگران تاکید دارند که ایران به دلیل وابستگی اقتصادی به صادرات نفت و همچنین ملاحظات دیپلماتیک با کشورهای منطقه، احتمالاً از مسدود کردن واقعی این مسیر حیاتی اجتناب خواهد کرد.

در صورت بروز اختلال در فعالیت تنگه هرمز، کشورهای حوزه خلیج فارس مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی می توانند تا حدی این کمبود عرضه نفت را با استفاده از مسیرهای جایگزین مانند خط لوله شرق به غرب عربستان و مسیر فجیره در امارات جبران کنند. با این وجود، این مسیرها ظرفیت محدودی داشته و نمی توانند به طور کامل جایگزین تنگه هرمز شوند، بنابراین بازارهای جهانی انرژی همچنان در برابر ریسک های سیاسی و نظامی منطقه ای آسیب پذیر باقی خواهند ماند.

به طور کلی، اگرچه تهدید ایران به مسدود کردن تنگه هرمز باعث افزایش نگرانی ها و نوسانات در بازارهای نفت شده است، احتمال عملی شدن این تهدید به دلیل پیامدهای شدید اقتصادی و سیاسی آن پایین ارزیابی می شود. با این وجود، این بحران به روشنی نشان می دهد که زیرساخت های حیاتی انرژی در منطقه چقدر آسیب پذیرند و اهمیت دیپلماسی در جلوگیری از تشدید تنش ها و تضمین امنیت انرژی جهانی را برجسته می کند.

« بازار دیگر به پیش‌بینی‌های احساسی اعتماد ندارد. »

LINK: <https://energypolicy.ru/rynok-perestal-verit-v-predchuvstviya/novosti/2025/13/11/>

SOURCE: www.energypolicy.ru

DATE: ۱۱,۰۷,۲۰۲۵

گزارش جدید «Энергетическая политика» تحت عنوان «بازار دیگر به پیش‌بینی‌های احساسی اعتماد ندارد» به بررسی واکنش بازار نفت به تشدید تنش‌های نظامی بین ایران و رژیم صهیونیستی در تابستان ۲۰۲۵ پرداخته است. این گزارش تاکید می‌کند که برخلاف گذشته، اکنون بازار نفت کمتر به شایعات و پیش‌بینی‌های احساسی واکنش نشان می‌دهد و تصمیمات معامله‌گران عمدتاً مبتنی بر داده‌ها و تحلیل‌های واقعی و بنیادی است.

در جریان ۱۲ روز از شدت یافتن درگیری‌ها، پیش‌بینی‌هایی مبنی بر افزایش قیمت نفت تا ۱۰۰ دلار یا حتی بالاتر مطرح شد، اما واقعیت بازار نشان داد که قیمت نفت تنها حدود ۱۰ دلار افزایش یافت. این نشان‌دهنده واکنش محدود و محتاطانه بازار است که برخلاف دوره‌های گذشته، از هیجانات کاذب و گمانه‌زنی‌های بیش از حد پرهیز می‌کند. معامله‌گران مالی که بیشتر بر جنبه‌های سفته‌بازی متمرکز هستند، به سرعت به تحلیل‌های بنیادی و داده‌های واقعی روی آوردند. از سوی دیگر، معامله‌گران فیزیکی با بهره‌گیری از داده‌های لحظه‌ای مثل موقعیت کشتی‌های نفتکش و میزان ذخایر، تصمیمات دقیق‌تری اتخاذ کردند.

یکی از عوامل کلیدی در جلوگیری از افزایش چشمگیر قیمت نفت، نقش فعال گروه اوپک+ است که در شرایط بحران، به جای کاهش تولید، بر افزایش تولید و عرضه تاکید دارد. کشورهای عضو این گروه، با هدف حفظ تعادل بازار و جلوگیری از شوک‌های قیمتی، در ماه اوت ۲۰۲۵ تولید خود را حدود ۴۱۱ هزار بشکه در روز افزایش دادند. این اقدام به کاهش فشارهای ناشی از تنش‌های منطقه‌ای کمک کرد و بازار را به ثبات نسبی رساند.

در نهایت، این گزارش نتیجه می‌گیرد که بازار نفت در شرایط پرتنش کنونی، به جای واکنش‌های هیجانی، بر مبنای ارزیابی‌های دقیق و داده‌های واقعی عمل می‌کند. این رویکرد باعث شده است تا بازار انرژی در مواجهه با بحران‌های ژئوپولیتیکی، انعطاف بیشتری از خود نشان دهد و نوسانات شدید قیمتی کاهش یابد. در واقع، افزایش تولید اوپک+ و تحلیل‌های دقیق معامله‌گران توانسته‌اند ضمن مدیریت ریسک‌ها، از بروز بحران‌های بزرگ‌تر در بازار جهانی نفت جلوگیری کنند.

« چهار درس کلیدی برای بازار نفت از بحران اخیر در خاورمیانه (ایران) »

LINK: <https://www.csis.org/analysis/iran-conflict-four-lessons-learned-oil-market>

SOURCE: www.csis.org

DATE: July ۱۰, ۲۰۲۵

در گزارش «چهار درس آموخته‌شده برای بازار نفت از بحران ایران» که توسط مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) منتشر شده، به بررسی دقیق واکنش بازار نفت به تشدید تنش‌ها میان ایران و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۵ پرداخته شده است. برخلاف گذشته که بازارهای جهانی با افزایش سریع قیمت به هر نشانه‌ای از بی‌ثباتی در خاورمیانه واکنش نشان می‌دادند، این بار واکنش بازار به شکل قابل توجهی ملایم‌تر بود. دلیل اصلی این تغییر، کاهش حساسیت بازار به ریسک‌های ژئوپلیتیکی کوتاه‌مدت و تمرکز بیشتر بازیگران بر اختلالات واقعی و تأییدشده در جریان عرضه است. ابزارهای اطلاعاتی پیشرفته، مانند ماهواره‌ها و سامانه‌های ردیابی نفتکش‌ها، این امکان را فراهم کرده‌اند که معامله‌گران و تحلیل‌گران تنها زمانی به تهدیدات واکنش نشان دهند که تأثیر عملی آن‌ها بر عرضه انرژی قابل مشاهده باشد.

نکته مهم دیگر در تحلیل CSIS، به افزایش ظرفیت تولید خارج از اوپک اشاره دارد، به ویژه تولید نفت شیل ایالات متحده که در سال‌های اخیر به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. در حال حاضر، عرضه مازاد جهانی در حدود ۵.۴ میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود که به‌طور بالقوه می‌تواند هرگونه خلأ ناشی از اختلال منطقه‌ای را جبران کند. این شرایط به دولت ایالات متحده این امکان را می‌دهد تا بدون نگرانی از شوک شدید نفتی، در مواقع ضروری به اقدامات قاطع سیاسی یا نظامی در منطقه دست بزند. بنابراین، افزایش استقلال انرژی آمریکا، در عمل به آن کشور اهرم ژئوپلیتیکی مضاعفی در مواجهه با ایران داده است.

در همین راستا، اوپک پلاس نیز برای جلوگیری از جهش ناگهانی قیمت نفت در پی تنش‌های ایران و اسرائیل، برنامه افزایش تدریجی تولید از اوت ۲۰۲۵ را اعلام کرده است. هدف این اقدام، کاهش نگرانی از کمبود عرضه و برقراری ثبات در بازار بوده است. این نشان می‌دهد که در کنار ظرفیت‌های مازاد غیراوپکی، اوپک پلاس نیز نقش مهمی در کنترل انتظارات بازار و جلوگیری از افزایش نوسانات ایفا کرده است.

در مجموع، گزارش CSIS تأکید می‌کند که بازار نفت جهانی در حال گذار از یک رویکرد هیجانی به یک رفتار مبتنی بر داده‌های واقعی و مشاهده‌پذیر است. اکنون تنها تهدیدهایی که منجر به اختلال عملی در جریان انرژی شوند، قابلیت تأثیرگذاری بر قیمت‌ها را دارند. این تحول نه تنها موجب کاهش نوسانات غیرضروری شده، بلکه همچنین به عنوان یک مکانیسم بازدارنده علیه رفتارهای تهاجمی در سیاست خارجی نیز عمل می‌کند. به این ترتیب، اگرچه تنگه هرمز همچنان یک نقطه استراتژیک باقی مانده، اما بازار دیگر صرفاً به تهدیدهای لفظی یا نظامی بدون پیامد عملی، واکنش فوری نشان نمی‌دهد.

ب) بخش گاز:

« کاهش واردات گاز اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۳۰: تثبیت امنیت انرژی در سایه کاهش تقاضا »

LINK: <https://ieefa.org/resources/eu-gas-imports-fall-2020-2030-demand-reduction-target-exceeded-once-again>

SOURCE: [www. ieefa.org](http://www.ieefa.org)

DATE: June ۰۴, ۲۰۲۵

بر اساس گزارش جدید مؤسسه تحلیل سیاست‌های انرژی و مالی (IEEFA) در ژوئن ۲۰۲۵، اتحادیه اروپا در مسیر کاهش وابستگی خود به واردات گاز طبیعی پیشرفت چشمگیری داشته است. این اتحادیه در بازه زمانی آوریل ۲۰۲۴ تا مارس ۲۰۲۵ موفق شد مصرف گاز خود را به‌طور میانگین ۱۵.۶ درصد کاهش دهد، رقمی که از هدف گذاری‌های اولیه برنامه راهبردی REPowerEU نیز فراتر رفته است. در واقع، اروپا در چند سال اخیر با تمرکز بر بهینه‌سازی مصرف، گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر، و افزایش کارآمدی صنعتی، به سمت کاهش ساختاری تقاضا برای گاز حرکت کرده است.

برآوردهای IEEFA نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۳۰، واردات گاز طبیعی (شامل گاز خط لوله و LNG) به اتحادیه اروپا می‌تواند تا سقف ۲۵ درصد نسبت به میانگین سال‌های گذشته کاهش یابد. این معادل کاهش ۶۸ تا ۶۹ میلیارد مترمکعب از واردات گاز سالانه است. چنین تحولی در شرایطی رخ می‌دهد که نه تنها زیرساخت‌های گازی موجود برای پاسخگویی به تقاضای باقیمانده کفایت می‌کند، بلکه نیازی به سرمایه‌گذاری جدید در خطوط لوله یا پایانه‌های LNG نخواهد بود. این مسئله از منظر اقتصادی و محیط‌زیستی یک مزیت دوگانه برای اتحادیه اروپا به‌شمار می‌آید.

ابعاد ابعاد ژئوپلیتیکی انرژی این روند نیز حائز اهمیت است. اتحادیه اروپا از سال ۲۰۲۲ با هدف کاهش وابستگی به گاز روسیه و دیگر منابع پرریسک، به دنبال متنوع‌سازی منابع انرژی و تکیه بر توانمندی‌های بومی بوده است. اکنون، با تحقق اهداف کاهش مصرف، این اتحادیه نه تنها در برابر شوک‌های قیمتی در بازار جهانی انرژی مقاوم‌تر شده، بلکه دست بالاتری در مذاکرات انرژی نیز به دست آورده است. از سوی دیگر، کاهش واردات LNG از بازارهای خاورمیانه و آمریکا می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر جهت‌گیری‌های صادراتی این کشورها در سال‌های آینده داشته باشد.

نکته کلیدی گزارش IEEFA آن است که این روند نه تنها حاصل مداخلات سیاستی موقت، بلکه نتیجه یک تغییر ساختاری و پایدار در رفتار مصرفی و ترکیب انرژی اتحادیه اروپاست. به عبارت دیگر، تقاضای گاز در اروپا به جای اینکه صرفاً با نوسانات فصلی و بازار تنظیم شود، اکنون تحت تأثیر سیاست گذاری اقلیمی، نوآوری صنعتی، و سرمایه گذاری در انرژی های پاک است.

در مجموع، کاهش واردات گاز در اروپا نه تنها یک موفقیت در مسیر پایداری و امنیت انرژی به شمار می آید، بلکه پیامی روشن به بازارهای جهانی انرژی است: آینده، وابسته به تقاضای فسیلی نخواهد بود و کشورهایی که نتوانند خود را با این تغییر وفق دهند، در معرض کاهش سهم از بازار جهانی قرار خواهند گرفت.

«هاب های گازی تجاری اروپایی: TTF اکنون به یک معیار جهانی گاز تبدیل شده است»

LINK: <https://www.oxfordenergy.org/publications/european-traded-gas-hubs-ttf-now-a-global-gas-benchmark/>

SOURCE: www.oxfordenergy.org

DATE: June ۲۰۲۵

گزارش آکسفورد انرژی با عنوان «European Traded Gas Hubs: TTF Now a Global Gas Benchmark» بر این نکته تأکید دارد که هاب معاملاتی گاز تی تی اف (TTF) در هلند، از یک بازار منطقه ای به یک شاخص جهانی برای قیمت گذاری LNG تبدیل شده است. این تحول عمدتاً پس از بحران گازی اروپا در پی تهاجم روسیه به اوکراین در ۲۰۲۲ رخ داد، زمانی که واردکنندگان اروپایی به دنبال جایگزینی سریع برای گاز روسیه بودند و قیمت های TTF نقشی محوری در تعیین قیمت قراردادهای بین المللی پیدا کرد.

نویسندگان گزارش توضیح می دهند که در سال های گذشته، قیمت TTF فقط یک شاخص منطقه ای برای شمال غرب اروپا بود، اما اکنون به یکی از مرجع های اصلی برای قراردادهای گاز در آسیا، خاورمیانه و حتی آمریکای جنوبی تبدیل شده است. این تغییرات به افزایش نقدشوندگی بازار، توسعه ابزارهای پوشش ریسک (hedging instruments) و افزایش پیوستگی بین بازارهای گاز دنیا منجر شده است.

با این حال، گزارش هشدار می‌دهد که وابستگی بیش از حد به TTF می‌تواند آسیب‌پذیری‌های جدیدی ایجاد کند، به‌ویژه در شرایطی که ظرفیت ذخیره‌سازی یا زیرساخت‌های وارداتی اروپا با اختلال مواجه شود. همچنین به برخی محدودیت‌ها اشاره شده، از جمله تمرکز جغرافیایی بیش از حد، یا کمبود اطلاعات شفاف در مورد عرضه و تقاضا در برخی بازارهای منطقه‌ای.

از منظر راهبردی، تبدیل شدن TTF به معیار جهانی قیمت‌گذاری گاز، موجب شکل‌گیری یک معماری جدید در بازار انرژی شده است؛ معماری‌ای که در آن اروپا، به‌رغم کاهش سهم در تولید، نقش مرکزی در تعیین قیمت ایفا می‌کند. این امر به شرکت‌های اروپایی این امکان را داده که قدرت چانه‌زنی بیشتری در قراردادهای LNG بلندمدت داشته باشند و خریداران آسیایی نیز ناگزیر به پذیرش قیمت‌هایی بر مبنای TTF شده‌اند. با این حال، این تمرکز قیمت‌گذاری در یک هاب خاص، می‌تواند در شرایط بحران یا نوسانات شدید منطقه‌ای، کل بازار جهانی را دچار ناپایداری کند.

از سوی دیگر، گزارش آکسفورد انرژی تأکید می‌کند که اگرچه TTF به سرعت جهانی شده، اما زیرساخت‌های فیزیکی و سیاست‌گذاری‌های حمایتی باید هم‌راستا با این جایگاه جدید توسعه یابند. ایجاد شفافیت بیشتر در داده‌های عرضه و تقاضا، تسهیل دسترسی به ابزارهای مالی پوششی، و ایجاد پیوندهای عمیق‌تر با سایر بازارهای منطقه‌ای (مانند JKM در آسیا) از جمله الزامات پایداری این جایگاه جهانی است. در غیر این صورت، شکاف میان قدرت نمادین TTF و ظرفیت‌های عملیاتی آن می‌تواند به چالشی بزرگ در آینده تبدیل شود.

در نهایت، گزارش آکسفورد انرژی بر این نکته تأکید دارد که اگرچه اروپا توانسته از بحران گازی روسیه عبور کند، اما تبدیل شدن TTF به یک شاخص جهانی به این معناست که بازار گاز اروپا اکنون به شدت با تحولات ژئوپلیتیکی و اقتصادی جهانی گره خورده و این موضوع برای سیاست‌گذاران انرژی، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های واردکننده LNG اهمیت بالایی دارد.

«سرمایه‌گذاری جهانی در بخش انرژی در سال ۲۰۲۵»

LINK: <https://www.iea.org/reports/world-energy-investment-2025>

SOURCE: www.iea.org

DATE: June ۲۰۲۵

بر پایه گزارش رسمی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) با عنوان ۲۰۲۵ World Energy Investment که در ژوئن ۲۰۲۵ انتشار یافت، در این سال سرمایه‌گذاری در زنجیره گاز طبیعی نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین انرژی جهانی، امنیت عرضه و حمایت از گذار انرژی ایفا می‌کند. گزارش IEA نشان می‌دهد که در حالی که سرمایه‌گذاری جهانی در انرژی‌های پاک رشد سریعی دارد، سرمایه‌گذاری در گاز طبیعی نیز به‌طور موازی افزایش یافته، به‌ویژه در بخش‌های مایع‌سازی LNG، انتقال و ذخیره‌سازی. با وجود تمرکز فزاینده جهان بر کربن‌زدایی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های LNG همچنان در حال افزایش است. کشورهای پیش‌تاز در این بخش مانند ایالات متحده، قطر و کانادا با راه‌اندازی پروژه‌های بزرگ جدید، ظرفیت صادرات LNG جهان را در حال دو برابر کردن هستند. در سال ۲۰۲۵، چندین پروژه عظیم در سواحل خلیج مکزیک در آمریکا، فازهای توسعه‌ای پارس شمالی در قطر، و پایانه‌های جدید در استان بریتیش کلمبیای کانادا کلید خورده‌اند. سرمایه‌گذاری در LNG به‌طور ویژه به عنوان گزینه‌ای پل مانند در دوران گذار از سوخت‌های فسیلی با کربن بالا به سیستم‌های کم کربن دیده می‌شود.

در مجموع، سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی گاز (اکتشاف و تولید)، زیرساخت انتقال (لوله‌ها)، گازرسانی شهری، و ترمینال‌های واردات LNG به رشد خود ادامه داده است. برآورد IEA نشان می‌دهد که سهم گاز طبیعی از کل سرمایه‌گذاری فسیلی در سال ۲۰۲۵ نزدیک به ۴۵ درصد بوده و سرمایه‌گذاری در گاز از زغال‌سنگ پیشی گرفته است. این سرمایه‌گذاری‌ها اغلب در پاسخ به نیاز اروپا برای جایگزینی گاز روسیه، افزایش مصرف صنعتی در آسیا، و برنامه‌های تقویت ذخایر استراتژیک در کشورهایی مانند چین، هند و ژاپن صورت می‌گیرند. در اروپا، با وجود کاهش چشمگیر واردات گاز در اروپا و رشد سریع انرژی‌های تجدیدپذیر، سرمایه‌گذاری در پایانه‌های واردات LNG، ذخایر زیرزمینی، و افزایش ظرفیت شبکه ادامه دارد. دلیل آن روشن است: گاز طبیعی در اروپا هنوز به‌عنوان یک انرژی گذار با نقش حیاتی در تعادل شبکه برق و تأمین گرمایش فصلی تلقی می‌شود. برخی کشورهای اروپایی (به‌ویژه آلمان، ایتالیا و هلند) در حال ساخت پایانه‌های شناور جدید LNG یا توسعه ذخایر زمستانی خود هستند. در ایالات متحده، در سال ۲۰۲۵، آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده LNG جهان، نه تنها سرمایه‌گذاری در تولید گاز شیل را حفظ کرده، بلکه در توسعه پایانه‌های مایع‌سازی نیز پیش‌تاز است. پروژه‌هایی مانند Golden Pass، Plaquemines LNG و Corpus Christi Expansion با حمایت سرمایه‌گذاران بزرگ بین‌المللی در حال اجرا هستند. این پروژه‌ها، نه تنها امنیت انرژی متحدان آمریکا در آسیا و اروپا را تقویت می‌کنند، بلکه اقتصاد داخلی

آمریکا را با درآمدهای ارزی قابل توجهی تغذیه می کنند و در منطقه خاورمیانه، کشورهای مانند قطر، امارات و عمان سرمایه گذاری در میدین گازی را با قدرت ادامه می دهند، به ویژه در پروژه های توسعه ای پارس شمالی و خطوط صادراتی به آسیا. همچنین در آسیا، کشورهایی چون چین، هند، و تایلند با رشد سریع زیرساخت های گازرسانی، نیروگاه های گازسوز و واردات LNG، جایگاه گاز را به عنوان پایه ای برای امنیت انرژی و کاهش وابستگی به زغال سنگ تقویت می کنند.

در نهایت، گزارش سرمایه گذاری ۲۰۲۵ آژانس بین المللی انرژی نشان می دهد که گاز طبیعی در حالی که بخشی از سبد سوخت های فسیلی باقی مانده، اما با چرخش جهانی به سمت انرژی های پاک، نقش جدیدی به خود گرفته است. این نقش نه صرفاً سوخت، بلکه عامل تعادل، جایگزین اضطراری، و پشتیبان امنیت انرژی است.

اگرچه گاز نمی تواند به تنهایی پاسخگوی بحران های آب و هوایی باشد، اما به دلیل ذخیره پذیری، زیرساخت قابل اتکا، و شدت کربن کمتر نسبت به زغال سنگ، در یک دهه آینده جایگاه خود را در بازار جهانی انرژی حفظ خواهد کرد؛ البته به شرط آن که با فناوری هایی مانند جذب کربن (CCUS) و افزایش بهره وری ترکیب شود.

« گزارش جهانی LNG ۲۰۲۵ / اتحادیه بین المللی گاز (IGU) »

LINK: <https://www.igu.org/press-releases/۲۰۲۵-world-lng-report-press-release>

SOURCE: www.igu.org

DATE: May ۲۰۲۵

گزارش سال ۲۰۲۵ اتحادیه بین المللی گاز (IGU) نشان می دهد که تجارت جهانی LNG در سال ۲۰۲۴ با رشد ۲۰۴ درصدی به رکورد تاریخی ۴۱۱.۲۴ میلیون تن رسیده است. این افزایش چشمگیر، ناشی از اتصال ۲۲ بازار صادرکننده به ۴۸ بازار واردکننده در سراسر جهان است که نشان دهنده گسترش روزافزون شبکه جهانی LNG و اهمیت رو به رشد آن در بازار انرژی است. در این میان، آسیا و اقیانوسیه همچنان بزرگ ترین صادرکننده LNG باقی مانده و با افزایش ۴.۱ میلیون تن نسبت به سال قبل، به حجم صادرات ۱۳۸.۹۱ میلیون تن دست یافته است. پس از آن، منطقه خاورمیانه و آمریکای شمالی قرار دارند که آمریکای شمالی با رشد چشمگیر ۴.۱۱ میلیون تن، صادرات خود را به ۸۸.۶۴ میلیون تن رسانده است. این افزایش نشان دهنده نقش پررنگ ایالات متحده در بازار جهانی LNG است.

از سوی دیگر، اروپا برخلاف روند صعودی جهانی، واردات خود را به دلیل ذخیره‌سازی بالا و جریان‌های پایدار خط لوله، با کاهش قابل توجهی مواجه کرده و به ۱۰۰.۰۷ میلیون تن کاهش یافته است. در مقابل، بازارهای آسیایی به ویژه چین و هند رشد قابل توجهی در واردات LNG داشته‌اند؛ چین با افزایشی معادل ۷.۴۵ میلیون تن و هند با ۴.۱۹ میلیون تن، نشان از گسترش تقاضای انرژی در اقتصادهای بزرگ آسیا دارد.

از منظر زیرساختی، ظرفیت کل واحدهای مایع‌سازی LNG در سال ۲۰۲۴ به ۴۹۴.۴ میلیون تن در سال افزایش یافته که این رقم با افزایشی ۶.۵ میلیون تنی نسبت به سال گذشته همراه بوده است. با این حال، میزان پروژه‌های جدید تأیید شده بسیار کاهش یافته و به تنها ۱۴۸ میلیون تن در سال رسیده است؛ کمترین میزان از سال ۲۰۲۰ و چشم‌گیری کمتر از ۵۸.۸ میلیون تن مصوب سال ۲۰۲۳.

همچنین، ظرفیت FLNG با ورود واحدهایی همچون Congo Marine XII و Altamira در مکزیک به ۱۴.۳۵ میلیون تن افزایش یافته است که این نوع زیرساخت‌ها انعطاف‌پذیری بالاتری در توسعه بازار LNG فراهم می‌کنند. از سوی دیگر، تعداد کشتی‌های تانکر LNG فعال در پایان ۲۰۲۴ به ۷۴۲ فروند رسیده است که شامل ۴۸ واحد FSRU و ۱۰ واحد FSU می‌باشد. بازار LNG در سال ۲۰۲۴ از ثبات نسبی قیمت‌ها برخوردار بوده و نوسانات شدید سال‌های گذشته کاهش یافته است. اما همچنان عوامل ژئوپلیتیکی، تجاری و مقرراتی به‌عنوان ریسک‌های بالقوه باقی مانده‌اند که می‌توانند بازار را تحت تأثیر قرار دهند.

در نهایت این گزارش سالیانه، نتیجه گرفته است که تجارت جهانی LNG با رشد مداوم، جایگاه خود را به عنوان سوختی کلیدی در گذار انرژی و تامین تقاضای رو به افزایش انرژی حفظ کرده است. افزایش صادرات در آسیا-اقیانوسیه، آمریکای شمالی و خاورمیانه، در کنار کاهش واردات اروپا، نشان‌دهنده تغییرات ساختاری و جغرافیایی در بازار است. در حالی که ظرفیت تولید در حال افزایش است، کاهش چشمگیر در پروژه‌های جدید نگرانی‌هایی درباره آینده عرضه ایجاد کرده است. ورود پروژه‌های شناور LNG فرصت‌های نوینی برای انعطاف‌پذیری در توسعه بازار فراهم می‌آورد. در نهایت، پایداری بازار و توجه به مسائل زیست‌محیطی، به ویژه کاهش انتشار متان، مسیر LNG را به عنوان سوختی مهم و سازگار با اهداف کاهش کربن جهانی، تقویت می‌کند. این گزارش تصویری دقیق و جامع از بازار LNG در سال‌های پیش رو ارائه می‌دهد که برای فعالان صنعت انرژی، سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران حیاتی است.

« مناقشه تعرفه ای میان ایالات متحده و چین و بازار LNG : مدل سازی پیامدها تا سال ۲۰۳۰ »

LINK: <https://www.kapsarc.org/our-offerings/publications/the-us-china-tariff-conflict-and-the-lng-market-modelling-consequences-until-2030/>

SOURCE: www.kapsarc.org

DATE: ۰۸ July ۲۰۲۵

در پی تشدید تنش‌های تجاری میان ایالات متحده و چین، گزارش مرکز مطالعات انرژی پادشاهی سعودی (KAPSARC) به بررسی پیامدهای احتمالی جنگ تعرفه‌ای بر بازار جهانی LNG تا سال ۲۰۳۰ می‌پردازد. این مطالعه با استفاده از مدل‌سازی بازار گاز جهانی Nexant، سه سناریوی مختلف را برای تحلیل وضعیت آتی بازار LNG بررسی کرده است.

سناریوی اول: وضعیت پایه بدون تغییرات تجاری

در این حالت، روابط تجاری میان آمریکا و چین بدون تغییر باقی می‌ماند و بازار LNG به روند عادی و رو به رشد خود ادامه می‌دهد. این سناریو مبنای مقایسه برای بررسی تأثیرات تنش‌های تجاری است.

سناریوی دوم: اعمال تعرفه ۱۲۵ درصدی بر واردات LNG آمریکا به چین

اعمال تعرفه سنگین ۱۲۵ درصدی باعث کاهش چشمگیر واردات LNG چین از آمریکا می‌شود. این وضعیت منجر به جابجایی جریان‌های تجاری LNG به سمت بازارهای دیگر خواهد شد و رقابت میان صادرکنندگان برای یافتن مشتریان جدید را افزایش می‌دهد.

سناریوی سوم: مسدودسازی مسیرهای تجاری و لغو قراردادهای LNG میان دو کشور

در این سناریو، علاوه بر تعرفه‌های سنگین، مسیرهای تجاری LNG میان آمریکا و چین مسدود شده و قراردادهای موجود لغو می‌گردد. این وضعیت فشار قابل توجهی بر بازار جهانی LNG وارد می‌کند، باعث افزایش قیمت‌ها، تغییر الگوهای تجارت و نیاز به توسعه زیرساخت‌های جدید می‌شود.

بر طبق این گزارش، پیامدهای کلیدی تا سال ۲۰۳۰، افزایش قیمت‌های جهانی LNG (محدودیت عرضه آمریکا به بزرگ‌ترین واردکننده، یعنی چین، موجب افزایش قیمت‌ها در بازار جهانی خواهد شد)، تغییر در مسیرهای تجاری

(وارد کنندگان به دنبال منابع جایگزین LNG خواهند بود که این امر باعث تغییر در الگوهای تجارت جهانی می‌شود)، و فشار بر زیرساخت‌ها (افزایش تقاضا و جابجایی جریان‌ها نیازمند توسعه سریع‌تر و گسترده‌تر زیرساخت‌های صادرات و واردات LNG خواهد بود) خواهد شد.

در نهایت، جنگ تعرفه‌ای آمریکا و چین اثرات قابل توجهی بر بازار جهانی LNG خواهد داشت که می‌تواند نوسانات قیمتی و تغییرات ساختاری در تجارت انرژی را به همراه داشته باشد. برای کاهش ریسک‌ها، بازیگران بازار باید سیاست‌های منعطف و استراتژی‌های تطبیقی را دنبال کنند تا در این فضای پرتنش اقتصادی، ثبات و امنیت انرژی حفظ شود.

«اخلال در تنگه هرمز می‌تواند ۱۰ درصد واردات LNG اروپا را به خطر بیندازد.»

LINK: <https://ieefa.org/resources/strait-hormuz-disruption-would-jeopardise->

۱۰-۰۰۰۰۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰۰۰۰۰

SOURCE: www.ieefa.org

DATE: June ۲۷, ۲۰۲۵

در گزارش جدید اندیشکده IEEFA به وضعیت LNG در اروپا پس از درگیری میان ایران و رژیم صهیونیستی پرداخته شده است. براساس این گزارش اخلال در تنگه هرمز می‌تواند تا ۱۰ درصد از واردات LNG اروپا را به خطر بیندازد، چرا که این تنگه یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان محسوب می‌شود. در سال ۲۰۲۴، حدود ۲۰ درصد از تجارت جهانی LNG از طریق تنگه هرمز عبور کرده است که بخش قابل توجهی از آن متعلق به صادرات قطر و امارات متحده عربی است. کشورهای اروپایی مانند ایتالیا، بلژیک و لهستان به شدت به واردات LNG از این منطقه وابسته‌اند؛ به عنوان نمونه، ایتالیا نزدیک به ۴۵ درصد واردات LNG خود را از قطر تأمین می‌کند.

تنگه هرمز، واقع در میان عمان و ایران، به عنوان یکی از حیاتی‌ترین شاهراه‌های انرژی جهان شناخته می‌شود و نقش کلیدی در تأمین منابع گاز و نفت ایفا می‌کند. اگرچه مسیرهای جایگزین مانند کانال سوئز و کانال پاناما وجود دارند، ظرفیت آن‌ها محدود است و نمی‌توانند جایگزین کامل تنگه هرمز شوند. بنابراین، هرگونه اختلال در این تنگه به طور مستقیم بازارهای انرژی جهانی، به ویژه اروپا را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

از نظر اقتصادی، مسدود شدن یا کاهش جریان انرژی از تنگه هرمز می‌تواند باعث افزایش چشمگیر قیمت‌های LNG در بازار اروپا شود؛ پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که قیمت گاز در اروپا ممکن است از حدود ۴۰ یورو به ۱۰۰ تا ۲۰۰ یورو به ازای هر مگاوات‌ساعت افزایش یابد که فشار اقتصادی قابل توجهی بر مصرف‌کنندگان و صنایع وارد خواهد کرد.

برای مقابله با این ریسک، کشورهای اروپایی باید تلاش‌های خود را برای کاهش وابستگی به منابع LNG خلیج فارس افزایش دهند. توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر، بهبود بهره‌وری انرژی، افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی گاز و تنوع‌بخشی به منابع تأمین از جمله راهکارهای اساسی هستند که می‌توانند امنیت انرژی اروپا را تضمین کنند. همچنین گسترش همکاری‌ها با کشورهای صادرکننده LNG غیرخلیج فارس، می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری در برابر اختلالات ژئوپلیتیکی کمک کند.

در مجموع، تنگه هرمز به عنوان یک گلوگاه حیاتی در بازار انرژی جهانی، هرگونه ناپایداری در این مسیر، تهدیدی جدی برای ثبات تأمین انرژی و قیمت‌ها در اروپا به شمار می‌رود و ضرورت اتخاذ راهبردهای بلندمدت برای کاهش ریسک‌های مرتبط را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی